

وضعیت ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

ناهید بابایی امیری^۱، جواد رشمه^۲

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف بررسی ویژگی‌های کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ انجام شد.^۳ جامعه آماری مورد مطالعه را کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری تشکیل دادند، نمونه آماری از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انجام شد و حجم نمونه آماری با توجه به جدول مورگان ۳۷۷ نفر به دست آمد. به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه‌ای شامل ۴۲ سوال، با درجه‌بندی لیکرت استفاده شد. این پرسشنامه محقق ساخته و شامل مولفه‌های انگیزه پیشرفت، تمایل به ریسک و مخاطره، گرایش به خلاقیت، کنترل درونی، نیاز به استقلال، تحمل ابهام، تیم‌کاری و آینده‌نگری است. برای تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی، روایی صوری پرسشنامه با نظرخواهی از متخصصان مورد تایید قرار گرفت. علاوه بر آن به منظور برآورد همسانی درونی بین سوال‌ها و مولفه‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب آلفا (۰.۸۴) بدست آمد. نتایج استفاده از آزمون t تک گروه در سطح معناداری (۰/۰۱) نشان داد که ویژگی‌های کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری در سطح متوسط وجود دارد.

واژگان کلیدی

انگیزه پیشرفت، تمایل به ریسک، گرایش به خلاقیت، کنترل درونی، نیاز به استقلال، تحمل ابهام، تیم‌کاری، آینده‌نگری، کارآفرینی

^۱ مربی، عضو هیات علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

^۳ این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری انجام شده است.

مقدمه

بحران بیکاری به عنوان یک معضل، تمامی جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه را به شدت متاثر می‌کند و گاهی اوقات اثرات غیرقابل جبرانی را نیز بر جای می‌گذارد. تجربه ثابت کرده است که پیامدهای اجتماعی آن، نه راه حل‌های فوری و ایدئولوژیک و اخلاقی دارد و نه محو همه جانبه، یکپارچه و کوتاه‌مدت آن امکان پذیر است. بسیاری از کشورها از جمله راه حل‌های خروج از این بحران را کارآفرینی می‌دانند و به آن توجه فوق‌العاده‌ای می‌کنند (رضازاده و همکاران، ۱۳۸۱).

در حقیقت کارآفرینی به عنوان یک بینش، فرهنگ و رویکرد نوین سازمانی از جمله مهم‌ترین دستاوردهای بین رشته‌ای علوم اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و روانشناسی در چند دهه گذشته است که از ابتدا در سازمان‌های تولیدی و صنعتی و سپس در سایر سازمان‌های اجتماعی و خدماتی مورد توجه دولت‌مردان و سیاست‌گذاران کلیه کشورها قرار گرفته است (مرادی، ۱۳۸۵). هیسریچ^۱ (۱۹۸۵) کارآفرینی را فرآیند خلق چیز نو، با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش خطرات مالی، روحی و اجتماعی برای بدست آوردن منابع مالی، رضایت شخصی و استقلال می‌داند. همچنین ویلکن^۲ (۱۹۹۲) کارآفرینی را به عنوان تسریع کننده جرقه رشد و توسعه اقتصادی معرفی می‌کند.

ذبیحی و مقدسی (۱۳۸۵) نیز بر این باورند که کارآفرینی مقوله بسیار مهمی است و بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به آن توجه جدی مبذول می‌دارند. در این جوامع کارآفرینی تبدیل به ابزار نیرومندی در جهت ایجاد فرصت مناسب شده که بهره‌گیری از آنها می‌تواند باعث رفع مشکلاتی همچون اشتغال، کمبود نیروی انسانی خلاق و پویا، نزول چشم‌گیر بهره‌وری، کاهش کیفیت محصولات و خدمات و رکود اقتصادی شود. از اینرو پرورش و آموزش کارآفرینان را در اولویت برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی خویش قرار داده‌اند. اکنون در عرصه جهانی، افراد خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان، منشاء تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده‌اند و از آنها سر به عنوان قهرمانان ملی یاد می‌شود. چرخه‌های اقتصادی همواره با توسعه کارآفرینی به حرکت در می‌آید (آقازاده و رضازاده، ۱۳۸۳). هامیلتون و هارپر^۳ (۱۹۹۴) کارآفرین را فردی می‌دانند که ریسک‌پذیری برای بدست آوردن یک امتیاز را می‌پذیرد. شومپیتر^۴ (۱۹۹۱) در کتاب معروف خود «تئوری توسعه اقتصادی» کارآفرین را فردی می‌داند که اقتصاد فعلی را بهم می‌برد تا شکلی سودمند را بنا کند. پس می‌توان گفت کارآفرینی به فرآیند شناسایی فرصت‌های جدید و ایجاد کسب و کار و سازمان‌های جدید و رشد یابنده برای بهره‌برداری از فرصت شناسایی شده اطلاق می‌شود که در

1. Histrich

2. Wilkane

3. Hamilton & Harper

4. Shumpe'er

نتیجه آن، کالا و خدمات جدیدی به جامعه عرضه می‌شوند (احمدپور داریانی و عزیزی، ۱۳۸۳). آنچه در شرایط سخت کنونی ضرورت آن در جامعه بیش از پیش احساس می‌شود، پرداختن به این مقوله اساسی، یعنی کارآفرینی است (آذرهوش و همکاران، ۱۳۷۷). فرد کارآفرین از فرصت‌های پیش آمده به خوبی استفاده می‌کند و با تغییراتی قادر به خلق اثری جدید می‌شود. از این رو کارآفرینی فعالیت بدیع و جدیدی نیست بلکه فعالیتی نادر است (طالبیان، ۱۳۸۱). مهم‌ترین ویژگی‌هایی که به کارآفرینان نسب داده‌اند و در مورد آن به توافق رسیده‌اند عبارتند از: توفیق طلبی (مک‌کله‌لند، ۱۹۶۳) که به معنای تمایل به انجام کار در سطح استانداردهای عالی و قصد و جهت موفقیت در موقعیت رقابتی است. مرکز کنترل درونی (اتکینسون ۱۹۵۷ و روتر ۱۹۸۰) عقیده فرد نسبت به اینکه عاقبت و سرانجام وی تحت کنترل وقایع خارجی یا داخلی است، مرکز کنترل درونی نامیده می‌شود. تمایل به ریسک‌پذیری (لایز، ۱۹۷۴ و برونکه‌هاوس ۱۹۸۰) به معنای پذیرش مخاطره‌هایی است که می‌تواند با تلاش‌های شخصی مهار می‌شوند. استقلال طلبی (جاکوبوویتز و وایلدنر، ۱۹۸۲) نیاز به استقلال را می‌توان به صورت عباراتی نظیر کنترل بر سرنوشت خود، کاری را برای خود انجام دادن و آقای خود بودن تعریف کرد. گرایش به خلاقیت (هولت، ۲۰۰۲) خلاقیت را فرآیند شناختی از به وجود آمدن یک ایده، مفهوم، کالا یا کشفی بدیع می‌گویند. تیم کاری (کوراتکو، ۱۹۹۵) فعالیت‌های موفق کارآفرینی بر مبنای تیمی سازماندهی می‌شود. این تیم‌ها با یکدیگر و با محیط بیرونی به تعامل می‌پردازند و با مشتریان و همکاران ارتباط برقرار می‌کنند تا بتوانند فرآیندهای نوآوری را سرعت بخشند. آینده‌نگری (کوراتکو، ۱۹۹۵) کارآفرینان می‌دانند به کجا می‌خواهند بروند. آنها تصور و دیدگاهی از آینده سازمان خود دارند، چنین دیدگاهی می‌تواند برنامه‌های کوتاه مدت را در یک جهت برای رسیدن به هدف هماهنگ نماید، و تحمل ابهام (باومن، سکستون و اسکیر، ۱۹۸۲) قدرت تحمل ابهام به معنای پذیرفتن عدم قطعیت به عنوان بخشی از زندگی است (ذبیحی و مقدسی، ۱۳۸۵). حال این سوال اساسی در ذهن تداعی می‌شود که این ویژگی‌ها زاده می‌شوند؟ یا پرورش می‌یابند؟

در گذشته نه چندان دور پژوهشگران و صاحب‌نظران بر این عقیده بودند که این ویژگی‌ها با آنها متولد می‌شود و فرض اساسی این بود که کارآفرینان از طریق آموزش، پرورش نمی‌یابند (ذبیحی مقدسی، ۱۳۸۵). جاکوبوویتز^۱ (۱۹۹۴) از جمله افرادی بود که به ذاتی بودن استعداد کارآفرینی در برخی از افراد تاکید داشت. اما گروه دیگری بر اساس مطالعات و پژوهش‌های متعدد به این نتیجه دست یافتند که کارآفرینی همچون سایر ادراکات و اعتقادات در بافت محیطی معین می‌تواند آموخته شود. نتایج تحقیق رشید^۲ (۲۰۰۰) در دبیرستان‌های آمریکا نشان داد که ۸۰٪ جوانان، آموزش کارآفرینی را لازم می‌دانند و تمایل دارند درباره کارآفرینی

اطلاعات بیشتری داشته باشند. براون^۱ (۲۰۰۳) آموزش کارآفرینی برای جوانان را سرمایه‌گذاری برای آینده می‌داند که تجربیات مثبتی را به آنان معرفی می‌کند تا در آینده بتوانند تصمیمات مناسب‌تری درباره اشتغال خود اتخاذ کنند. همچنین کلارک^۲ (۱۹۹۸) معتقد است افزایش تعداد دانشجویان، تقاضای روزافزون جهت مهارت آموزی (به ویژه برای افراد حرفه‌ای و متخصص)، انتظار دریافت خدمات کیفی از دانشگاه‌ها و گسترش روزافزون مرزهای دانش موجب شده است تا دانشگاه‌ها برای غلبه بر فشارهای مذکور در کلیه ابعاد و ارکان خود تغییراتی اساسی پدید آورند و با تلفیق ارزش‌های تخصصی و مدیریتی و ایجاد توازن میان پژوهش، آموزش و خدمات اجتماعی و تنوع در راه تامین بودجه می‌توانند به دانشگاه‌های پویای قرن بیست و یکم تبدیل شوند. به عنوان مثال در دانشگاه سوئین‌برن^۳ طرح توسعه کارآفرینی به عنوان یکی از پنج محور فعالیت‌های اساسی در چشم‌انداز توسعه ده‌ساله در چارچوبی وسیع و گسترده و با اهدافی کلان طراحی شده است. دانشگاه جرج ماسن^۴ نیز در سال پایانی اخیر به غیر از توجه به مفهوم کارآفرینی قصد دارد تا این مفهوم را به تمام دانشکده‌ها و برنامه‌های دانشگاه تعمیم دهد و اقدام به طراحی و تدوین برنامه‌های درسی منسجم و دوره‌های آموزش کارآفرینی نماید. دانشگاه نانینگ^۵ در سنگاپور نیز اقدام به برنامه‌ریزی درسی در جهت توسعه مهارت‌های مهم شخصی نظیر خلاقیت نموده تا مکمل دانش فنی در فارغ‌التحصیلان شود اهمیت کارآفرینی در مالزی در حدی است که وزارت توسعه کارآفرینی در این کشور تاسیس شده است و دانشگاه اوتارا^۶ دانشجویانی که چند طرح کسب و کار تهیه نموده و نیاز به سرمایه دارند را مورد توجه مالی قرار می‌دهد (مرادی، ۱۳۸۵). شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد علت اینکه کشورهایی همچون آمریکا، ژاپن و آلمان از نظر صنعتی توسعه یافته‌اند، کارآفرینی است. کارآفرینی هم اکنون به عنوان یک حرفه ظهور کرده است و همانند دیگر حرفه‌ها باید توسعه یابد و از طریق برنامه‌های آموزشی و دانشگاهی خاص مبتنی بر مطالعات رفتاری و تجربی، پرورش پیدا کند (احمد پور داریانی و مقیمی، نقل از کانکا، ۱۳۸۵).

این در حالی است که نتایج پژوهش‌های انجام شده در کشورمان در مورد میزان درک مسئولیت‌های اجتماعی در بین دانشجویان و نحوه واکنش آنها در مواجهه با بازار کار پس از فراغت از تحصیل نشان می‌دهد نظام آموزشی در سیستم آموزش عالی، نتوانسته نسبت به آماده کردن دانشجویان در زمینه پذیرش واقعیت‌های موجود در عرصه زندگی به نحو مطلوب عمل کند. به گونه‌ای که بسیاری از دانشجویان با اتمام تحصیلات و اخذ مدارک بالا، قادر به استفاده از توانایی‌های خود و بهره‌وری در رشته تحصیلی نبوده و کارآیی لازم را در این زمینه نداشته‌اند

1. Brown

2. Clarck

3. Swinburne University

4. George mason university

5. Nanyang

6. Otara

(برداری^۱، ۱۳۸۵).

بهترین راه حل آن است که دانشگاه‌ها، کارآفرین و بنگاه‌ها، دانش‌محور باشند و با ایجاد زمینه برای توسعه خلاقیت و نوآوری در نظام دانشگاهی، به تجاری کردن دانش و استفاده از نتایج پژوهش‌های دانشگاهی و گسترش مرزهای دانش، جهت دستیابی به توسعه‌همه‌جانبه، بپردازند. منظور از تجاری‌سازی در دانشگاه، تبدیل ارزش بالقوه دانش و نوآوری به ارزش بالفعل، ملموس و منفعت‌زا است. در حقیقت تجاری‌سازی یعنی ایده‌های خلاق و اندیشه‌های نوری اعضای هیات علمی و دانشجویان در عرصه‌های مختلف علوم، به راه‌کارها، فرایندها، محصولات و خدمات قابل استفاده در جامعه تبدیل شود و به عبارتی دانایی موجب توانایی شود. آنچه مسلم است این است که دانشگاه خود تحت تاثیر متغیرهایی چون فناوری، فرهنگ و محیط است که در ترکیب اهداف کارآفرینی دخیل خواهند بود، با توجه به اینکه کشورهایی که در زمینه اقتصادی و اجتماعی پیشرفت کرده‌اند یکی از عوامل مهم را، سرمایه‌گذاری در دانشگاه‌ها می‌دانند تا بتوان از طریق دانش و فناوری در دانشجویان، خلاقیت و کارآفرینی ایجاد کرد.

از آنجا که از یک سو کشاورزی دیگر کمتر می‌تواند اشتغال‌زا باشد و از سوی دیگر فراگیری و ورود به کارهای سودآور نیز برای همه میسر نیست به نظر می‌رسد آموزش کارآفرینی راه حل خوب و مطلوبی برای حل مشکلات اشتغال و بهره‌وری است (ذبیحی و مقدسی، ۱۳۸۵). بنابراین ایجاد و تقویت ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای کارآفرینانه نیازمند شناسایی و تحریک استعدادها و مهارت‌های آن است. هدف از این پژوهش نیز بررسی ویژگی‌های کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری است که این ویژگی‌ها همانطور که بیان شد بر اساس نظریه مک‌کله‌نند (۱۹۶۳)، اکتینسون (۱۹۵۷) و روتر (۱۹۸۰)، لایز (۱۹۷۴) و برونکهاوس (۱۹۸۰)، جاکوبوویتز و وایلد (۱۹۸۲) و هولت (۲۰۰۲)، کوراتکو (۱۹۹۵)، (باومن، سکستون و اسکیر، ۱۹۸۲) مورد سنجش قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

یاراتی (۱۳۸۳) در مطالعه خود با عنوان «بررسی برخی روحیات کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شیراز و مقایسه آن با مدیران صنایع» به این نتیجه دست یافت که مدیران از انگیزه پیشرفت بالاتری نسبت به دانشجویان برخوردارند و ریسک‌پذیری دانشجویان از مدیران صنایع بالاتر بود. بدری و همکاران (۱۳۸۳) در تحقیقی که با عنوان «بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان» انجام داده‌اند، به این نتایج دست یافتند که قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان در زمینه استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت، بالاتر از حد میانگین بود، اما نمرات ریسک‌پذیری از متوسط نمره معیار پایین‌تر بود. میراسماعیلی و رشمه

¹. www.karafariny.com

(۱۳۸۷) پژوهشی به صورت زمینه‌بایی با عنوان «مقایسه قابلیت‌های کارآفرینی فارغ‌التحصیلان شاخه فنی و حرفه‌ای و شاخه نظری در دبیرستان‌ها و هنرستان‌های منطقه ۱۱ شهر تهران» انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که بین فارغ‌التحصیلان شاخه فنی و حرفه‌ای و نظری در مورد مولفه‌های انگیزه پیشرفت، استقلال طلبی، گرایش به خلاقیت، ریسک‌پذیری و کنترل درونی تفاوت معنادار وجود دارد. حداد عادل (۱۳۷۹) با «بررسی عوامل موثر در رشد و پرورش کارآفرینان از دیدگاه مدیران صنایع ایران» به بررسی دیدگاه‌های ۱۳۰ نفر از مدیران عضو انجمن مدیران صنایع ایران پرداخته و مهم‌ترین شرایط و ویژگی‌های کارآفرینی را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که با کاهش سن نمونه‌ها، امکان بروز کارآفرینی نیز افزایش می‌یابد. بین جنسیت و کارآفرینی رابطه معنی‌داری مشاهده نشده است. فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های خارج از کشور کارآفرین‌تر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های داخلی بوده‌اند، و در گروه کارآفرینان «نیاز به توفیق»، «استقلال»، «تمایل به خلاقیت»، «ریسک‌پذیری»، «عزم و اراده» در مقایسه با غیر کارآفرینان به طور معنی‌داری بیشتر بوده است. خدمتی توسل (۱۳۷۹) پژوهشی با عنوان «زمینه بروز و پرورش کارآفرینی در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه شهرستان کرج را از نظر مدیران، دبیران و دانش‌آموزان» مورد بررسی قرار داد. نتیجه این تحقیق نشان داد که زمینه‌های انگیزه پیشرفت، استقلال طلبی، ریسک‌پذیری و مرکز کنترل درونی دانش‌آموزان بالاتر از سطح میانگین بوده است. شریف‌زاده (۱۳۸۳) با بررسی چهار خصیصه توفیق طلبی، قدرت طلبی، رقابت طلبی و ریسک‌پذیری به تعیین نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی تقویت آنها پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که چهار خصیصه فوق‌الذکر در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. عزیزی (۱۳۸۲) پژوهشی با عنوان «بررسی و مقایسه زمینه‌های پرورش کارآفرینی دانشجویان شهید بهشتی» انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیرهایی چون میزان تحمل، اعتماد به کنترل درونی، نیاز به توفیق طلبی، مخاطره‌پذیری، خلاقیت و نوآوری و استقلال طلبی با کارآفرینی، رابطه معنی‌داری وجود دارد. علاوه بر آن، نتیجه این پژوهش نشان داد که بین برنامه‌های تحصیلی و آموزشی ارائه شده و میزان کارآفرینی در دانشجویان از نظر آنان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. ناظم (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «کارآفرینی مدیران و مولفه‌های آن در مناطق مختلف دانشگاه آزاد اسلامی» به این نتیجه دست یافت که از بین مولفه‌های ۱۳ گانه کارآفرینی مدیران از قبیل نیاز به استقلال، نیاز به پیشرفت، خطرپذیری، خلاقیت، مدیریت زمان، داشتن پشتکار، هدف‌گرایی، چالش‌جویی، اعتماد به نفس، منبع کنترل درونی، انتقادپذیری، واقع‌گرایی و با انرژی بودن فقط مولفه استقلال طلبی و اعتماد به نفس در بین مدیران تفاوت داشت. نتایج پژوهش هزار جریبی (۱۳۸۲) نشان داد که بین دارا بودن آموزش‌های رسمی دانشگاهی و ویژگی‌های کارآفرینی از جمله مهارت‌های فردی، انگیزه فردی،

ریسک‌پذیری، نیاز به توفیق و خلاقیت رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد. انویک و لانگفورد^۱ (۲۰۰۳) پژوهشی با عنوان «پنج مدل اصلی شخصیتی: مقایسه کارآفرینی زنان و مردان» انجام دادند. این پژوهش بین کارآفرینی زنان و مردان بر اساس پنج مدل شخصیتی تفاوت قائل می‌شود، این پنج فاکتور شخصیتی شامل سازگاری، جامعه‌پذیری، وظیفه‌شناسی، توافق و آزادی افکار است. نتایج این پژوهش نشان داد که زنان کارآفرین به شکل معناداری نسبت به مردان صراحت بیشتری داشتند و نسبت به مردان سازگارت‌تر، اجتماعی‌تر و موافق‌تر بودند، مردان کارآفرین نیز به طور معناداری نسبت به زنان وظیفه‌شناس‌تر بودند. ایستی موری (۲۰۰۳) پژوهش خود را با هدف تعیین سطح ارزش‌های کارآفرینی میان مدیران تعاونی‌ها تحقیقی در مدارس راهنمایی در بخش پدانگ در غرب سوماترا- اندونزی، انجام داده است. یافته‌های این مطالعه نشان داد که نگرش پاسخ‌گرا به کارآفرینی و چگونگی رهبری نسبتا بالا بوده است. البته مهارت‌های کارآفرینی این پاسخ‌گرا تنها در سطح متوسطی بود. در حالی که آزمون t و آزمون ANOVA نشان‌دهنده تاثیر سطح تحصیلات و موقعیتی که مدیران تعاونی داشتند بر نوع رهبری و سطح مهارت‌های کارآفرینی بود. در زمینه عوامل دیگر مانند جنس، وضعیت تاهل و تجربه کاری تفاوت معناداری وجود نداشت. جیان وای لیان (۲۰۰۶) در رساله دکتری خود تحقیقی تحت عنوان «اثر هوش چندگانه و سرمایه اجتماعی بر رفتار کارآفرینان از طریق مقایسه بین کارکنان صنایع نرم افزاری و کارکنان سیستم‌های اطلاعاتی تایوان» انجام داده است. به نظر وی کارآفرینان، گروهی کمیاب و خاص در یک سیستم اقتصادی محسوب می‌شوند که نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد کسب و کارها ایفا می‌کنند. جیان در این مطالعه بررسی‌های انجام شده در زمینه هوش چندگانه و سرمایه انسانی را جمع‌آوری کرده تا از این طریق، تاثیر آنها را بر رفتار کارآفرینان نشان دهد. نهایتا این مطالعه نشان داد که هوش چندگانه فردی و سرمایه اجتماعی اثر مثبتی بر رفتار کارآفرینانه دارد. چاتوپادی و گوش (۲۰۰۲) به این نتیجه رسیدند که نیاز به پیشرفت و شاخص‌های موفقیت، مهم‌ترین شاخص‌های شناسایی کارآفرینان بالقوه است که موجب تضمین موفقیت آنها نیز می‌شود. در برخی از مطالعات عملکرد برخی از شرکت‌های کارآفرینی به لحاظ نیروی انسانی و شاخص‌های اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. چیک پیت چو (۲۰۰۲) به مطالعه در زمینه ویژگی‌های کارآفرینی دانش‌آموزان راهنمایی در مالزی پرداخته است. تجزیه و تحلیل داده‌های آمار استنباطی مبین این است که ویژگی‌های کارآفرینی دانش‌آموزان، متوسط بود. این بدان مفهوم است که در آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان، بایستی بر توسعه ویژگی‌های کارآفرینی در دوره تحصیلی تاکید بیشتری شود. در بین ۵ بعد ارزیابی شده، مهم‌ترین چیزی که موجب تشویق کارآفرینی شد منشا کنترل درونی و انگیزه بود. تفاوت‌های بین ویژگی‌های عوامل کارآفرینی به لحاظ قومیت و مقام بود. بالاترین میانگین توسط دانش‌آموزان چینی اخذ شد، و پس از آن

¹ Brooke R. Envick, St.

میانگین دانش آموزان هندی و دانش آموزان اهل مالی بود. همچنین دانش‌آموزانی که در کلاس بازرگانی به عنوان کلاس گزینشی دوره ندیدند نیز نمره بالاتری از دانش‌آموزان مشارکت کرده در کلاس بازرگانی اخذ کردند. سانفیلد و دیگران^۱ (۲۰۰۱) پژوهشی با عنوان «استعداد کارآفرینی افراد زندانی و مزایای برنامه‌های آموزشی خود اشتغالی» انجام دادند، فرضیه‌های این پژوهش عبارت بودند از: ۱. زندانیان استعداد کارآفرینی مشابه با گروه کارآفرین نرمال دارند. ۲. زندانیان استعداد کارآفرینی بالاتری نسبت به گروه با پیشرفت کم در کارآفرینی دارند. ۳. زندانیان، کارآفرینی پایین‌تری نسبت به گروه‌های با پیشرفت بالا در کارآفرینی دارند. ۴. زندانیانی که در طرح‌های خوداشتغالی عضویت دارند نسبت به زندانیانی که در این دوره‌ها حضور ندارند کارآفرینی بالاتری دارند. ۵. استعداد کارآفرینی زندانیان صرفنظر از نوع جرمی که مرتکب شده‌اند مشابه است. ۶. استعداد کارآفرینی زندانیان صرفنظر از اینکه برای مرتبه اول یا به طور مکرر مرتکب جرم شده باشند با یکدیگر مشابه است. نتایج نشان داد که تفاوت معناداری بین زندانیان سه زندان دیده نشد. فرضیه اول در سطح $0/01$ مورد تأیید قرار گرفت و تفاوت معنادار بین دو گروه بدست آمد. فرضیه دوم نیز در سطح $0/01$ تأیید شد و نشان داد که زندانیان، کارآفرینی بالاتری نسبت به کارآفرینان با پیشرفت کم دارند. فرضیه سوم نیز در سطح $0/01$ تأیید شد و نشان داد که زندانیان، کارآفرینی پایین‌تری نسبت به کارآفرینان با پیشرفت بالا دارند. فرضیه چهارم در سطح $0/01$ تأیید شد و نشان داد که زندانیانی که برای دوره‌های خوداشتغالی داوطلب شده بودند کارآفرینی بالاتری نسبت به سایر زندانیان دارند. فرضیه پنجم نشان داد که زندانیان صرفنظر از نوع جرم‌شان دارای استعداد کارآفرینی مشابهی بودند و فرضیه ششم نشان داد که تعداد مرتبه ارتکاب جرم با استعداد کارآفرینی زندانیان ارتباطی ندارد.

سوال پژوهش

وضعیت ویژگی‌های کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهری چگونه است؟

روش پژوهش

با توجه به شاخص‌ها و هدف تحقیق، روش مورد استفاده در این پژوهش، روش توصیفی از نوع پیمایشی است.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهری تشکیل می‌دهند. تعداد دانشجویان در مجموع بالغ بر ۱۸۸۷۸ نفر است.

¹. Matthew C.Sonfield

نمونه و روش نمونه‌گیری

نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای انجام شد و حجم نمونه با توجه به جدول مورگان در مجموع ۳۷۷ نفر در نظر گرفته شد.

روش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها

روش جمع‌آوری اطلاعات به شکل میدانی و از طریق پرسشنامه بود که به تعداد نمونه آماری بین دانشجویان توزیع شد. پرسشنامه مذکور محقق ساخته و براساس طیف لیکرت و شامل مولفه‌های انگیزه پیشرفت، تمایل به ریسک و مخاطره، گرایش به خلاقیت، کنترل درونی، نیاز به استقلال، تحمل ابهام، تیم‌کاری و آینده‌نگری است.

روایی و پایایی پرسشنامه

پرسشنامه مذکور به صورت محقق ساخته و با توجه به نظریه‌های مک‌کله‌لند (۱۹۶۳)، اتکینسون (۱۹۵۷) و روتر (۱۹۸۰)، لایز (۱۹۷۴) و برونکه‌هاوس (۱۹۸۰)، جاکوبوویتز و وایلدر (۱۹۸۲) و هولت (۲۰۰۲)، کوراتکو (۱۹۹۵)، (باومن، سکستون و اسکیر، ۱۹۸۲) تهیه شد. بدین منظور برای تعیین ویژگی‌های روانسنجی این پرسشنامه، روایی صوری آن توسط متخصصین و ناظر محترم طرح مورد تایید قرار گرفت.

پایایی پرسشنامه با توجه به همسانی درونی بین سوال‌ها و مولفه‌ها و از روش محاسبه آلفای کرونباخ در یک مطالعه مقدماتی با حجم ۳۰ نفر از دانشجویان محاسبه شد که نتایج ضریب آلفای مولفه انگیزه پیشرفت (۰.۸۳)، تمایل به ریسک و مخاطره (۰.۸۲)، گرایش به خلاقیت (۰.۸۶)، کنترل درونی (۰.۸۳)، نیاز به استقلال (۰.۸۴)، تحمل ابهام (۰.۸۲)، تیم‌کاری (۰.۸۴)، آینده‌نگری (۰.۸۱) و شاخص کلی (۰.۸۴) به دست آمد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون آماری t تک گروه و به وسیله نرم افزار SPSS محاسبه شد.

سوال پژوهش

وضعیت ویژگی‌های کارآفرینی بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری چگونه است؟

جدول ۱: خلاصه نتایج آزمون t تک گروه در مورد مولفه‌های کارآفرینی

متغیر	تعداد	میانگین نمونه	انحراف استاندارد	آزمون t	سطح معناداری
انگیزه پیشرفت	۳۷۷	۳.۱۶	۰.۴۲	۷.۲۸	۰.۰۰۰
تمایل به ریسک پذیری و مخاطره پذیری	۳۷۷	۳.۵۸	۰.۵۳	۲۱.۱۳	۰.۰۰۰
گرایش به خلاقیت	۳۷۷	۳.۱۷	۰.۴۶	۶.۹۳	۰.۰۰۰
کنترل درونی	۳۷۷	۳.۴۶	۰.۵۸	۱۵.۳۹	۰.۰۰۰
نیاز به استقلال	۳۷۷	۲.۷۹	۰.۸۹	-۴.۴۷	۰.۰۰۰
تحمل ابهام	۳۷۷	۳.۲۵	۰.۶۰	۷.۸۶	۰.۰۰۰
تیم کاری	۳۷۷	۳.۶۵	۰.۷۳	۱۷.۲۰	۰.۰۰۰
آینده نگری	۳۷۷	۴.۳۰	۰.۵۷	۴۳.۸۶	۰.۰۰۰
کارآفرینی (شاخص کلی)	۳۷۷	۳.۴۲	۰.۳۴	۲۳.۹۸	۰.۰۰۰

درجه آزادی: ۳۷۶

میانگین نظری: ۳

همانطور که ملاحظه می‌شود t محاسبه شده (۷.۲۸) در مورد شاخص کلی کارآفرینی با درجه آزادی (۳۷۶) در سطح معنی‌داری (۰.۰۱) نشان می‌دهد که ویژگی‌های کارآفرینی در حد متوسط بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری وجود دارد. به این دلیل که میانگین محاسبه شده (۳.۴۲) بزرگ‌تر از میانگین نظری (۳) است.

• t محاسبه شده در مورد مولفه انگیزه پیشرفت با درجه آزادی (۳۷۶) در سطح معنی‌داری (۰.۰۱) نشان می‌دهد که این ویژگی در حد متوسط بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری وجود دارد. همچنین میانگین محاسبه شده (۳.۱۶) بزرگ‌تر از میانگین نظری (۳) است.

• t محاسبه شده (۲۱.۱۳) در مورد مولفه تمایل به ریسک و مخاطره با درجه آزادی (۳۷۶) در سطح معنی‌داری (۰.۰۱) نشان می‌دهد که این ویژگی در حد متوسط بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری وجود دارد. همچنین میانگین محاسبه شده (۳.۵۸) بزرگ‌تر از میانگین نظری (۳) است.

• t محاسبه شده (۶.۹۳) در مورد مولفه گرایش به خلاقیت با درجه آزادی (۳۷۶) در سطح معنی‌داری (۰.۰۱) نشان می‌دهد که این ویژگی در حد متوسط بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری وجود دارد. همچنین میانگین محاسبه شده (۳.۱۷) بزرگ‌تر از میانگین نظری (۳) است.

• t محاسبه شده (۱۵.۳۹) در مورد مولفه کنترل درونی با درجه آزادی (۳۷۶) در سطح معنی‌داری (۰.۰۱) نشان می‌دهد که این ویژگی در حد متوسط بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری وجود دارد. همچنین میانگین محاسبه شده (۳.۴۶) بزرگ‌تر از میانگین نظری (۳) است.

- t محاسبه شده (-۴.۴۷) در مورد مولفه نیاز به استقلال با درجه آزادی (۳۷۶) در سطح معنی‌داری (۰.۰۱) نشان می‌دهد که این ویژگی در حد کمتر از متوسط بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری وجود دارد. همچنین میانگین محاسبه شده (۲.۷۹) کوچک‌تر از میانگین نظری (۳) است.
- t محاسبه شده (۷.۸۶) در مورد مولفه تحمل ابهام با درجه آزادی (۳۷۶) در سطح معنی‌داری (۰.۰۱) نشان می‌دهد که این ویژگی در حد متوسط بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری وجود دارد. همچنین میانگین محاسبه شده (۳.۲۵) بزرگ‌تر از میانگین نظری (۳) است.
- t محاسبه شده (۱۷.۲۰) در مورد مولفه تیم کاری با درجه آزادی (۳۷۶) در سطح معنی‌داری (۰.۰۱) نشان می‌دهد که این ویژگی در حد متوسط بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری وجود دارد. همچنین میانگین محاسبه شده (۳.۶۵) بزرگ‌تر از میانگین نظری (۳) است.
- t محاسبه شده (۴۳.۸۶) در مورد مولفه آینده‌نگری با درجه آزادی (۳۷۶) در سطح معنی‌داری (۰.۰۱) نشان می‌دهد که این ویژگی در حد متوسط بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری وجود دارد. همچنین میانگین محاسبه شده (۴.۳۰) بزرگ‌تر از میانگین نظری (۳) است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج بدست آمده بیانگر آن است که ویژگی‌های کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری به طور معنی‌داری در حد متوسط است. درحالی که کارآفرینی یکی از ضروریات هزاره جدید است، عصری که به جامعه اطلاعاتی و هنگامه جهانی شدن موسوم است و دربر دارنده پیامدهای مهمی همچون فراگیری فناوری‌های نوظهور و تغییر و تحولات شتابناک در عرصه مبادلات بشری و رقابت شدید و بی‌رحمانه در عالم کسب و کار است. کارآفرینی در مفهوم جدید و به اعتبار پیامدهای ارزشمند خود، اقبال گسترده مجامع علمی و دانشگاهی را با خود همراه ساخته است و می‌رود تا با حمایت‌های بخش‌های دیگر جامعه مانند بخش صنعت، کسب و کار، تجارت و بازار به یکی از آرزوهای دیرینه که همانا همکاری و هماهنگی دانشگاه و صنعت است، جامه عمل بپوشاند. بنابراین، باید کارآفرینی و متعاقب آن اقبال دانشگاه‌ها به آن را مولودی خجسته و میمون دانست که نقطه تلاقی و دو قطب تاثیرگذار جامعه را به وجود آورده است و از این رهگذر جامعه صنعتی و تجاری را از دستاوردهای ارزنده علمی و پژوهشی دانشگاه‌ها، که همواره به عنوان یک خلاء راهبردی بر پیکره نحیف و رنجور صنعت می‌تازید و آن را می‌رنجانند، متمتع سازد تا رهاوردهای گرانسنگ فعالان عرصه‌های تعلیم و تربیت را وجهه همت خود قرار دهد و راه برون رفت از سکون و رکود را بیابد. نتایج

پژوهش‌هایی که در پی خواهد آمد بر پژوهش حاضر صحنه می‌گذارند. یارائی (۱۳۸۳) در مطالعه خود به این نتیجه دست یافت که مدیران از انگیزه پیشرفت بالاتری نسبت به دانشجویان برخوردارند و ریسک‌پذیری دانشجویان از مدیران صنایع بالاتر بوده است. یدری و همکاران (۱۳۸۳) به این نتایج دست یافتند که قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان در زمینه استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین بود. حداد عادل (۱۳۷۹) به این نتیجه دست یافت که در گروه کارآفرینان «نیاز به توفیق»، «استقلال»، «تمایل به خلاقیت»، «ریسک‌پذیری»، «عزم و اراده» در مقایسه با غیرکارآفرینان به طور معنی‌داری بیشتر بوده است. نتایج پژوهش خدمتی توسل (۱۳۷۹) نشان داد که زمینه‌های انگیزه پیشرفت، استقلال طلبی، ریسک‌پذیری و مرکز کنترل درونی دانش‌آموزان بالاتر از سطح میانگین بوده است. شریف‌زاده (۱۳۸۳) نشان داد که توفیق‌طلبی در دانشجویان تیپ‌های شخصیتی نظم‌گرا، فکرگرا و حس‌گرا؛ قدرت‌طلبی در تیپ‌های شخصیتی برون‌گرا، نظم‌گرا و فکرگرا؛ رقابت‌مندی در تیپ‌های شخصیتی نظم‌گرا و برون‌گرا؛ و ریسک‌پذیری در تیپ‌های شخصیتی شهودگرا، انعطاف‌پذیر و برون‌گرا در وضعیت مطلوب‌تری وجود دارد. نتایج پژوهش عزیز (۱۳۸۲) نشان داد که بین متغیرهایی چون میزان تحمل، اعتماد به کنترل درونی، نیاز به توفیق طلبی، مخاطره‌پذیری، خلاقیت و نوآوری و استقلال طلبی با کارآفرینی رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج پژوهش هزار جریبی (۱۳۸۲) نشان داد که پس‌گرداندن آموزش‌های رسمی دانشگاهی و ویژگی‌های کارآفرینی از جمله مهارت‌های فردی، ابتکار فردی، ریسک‌پذیری، نیاز به توفیق و خلاقیت رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد. استون و دیگران (۱۹۹۵) دریافتند که ۴۰ درصد از افرادی که در دوره‌های مذکور شرکت داشته‌اند، شروع به کسب و کار شخصی کرده‌اند. نتایج تحقیق اینویک و لانگفورد (۲۰۰۳) نشان داد که زنان کارآفرین به شکل معناداری نسبت به مردان صراحت بیشتری داشتند و نسبت به مردان سازگارتر، اجتماعی‌تر و موافق‌تر بودند اما نه در سطح معنادار، مردان کارآفرین به طور معناداری نسبت به زنان وظیفه‌شناس‌تر بودند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود با وجود آنکه در کشورهای پیشرفته دنیا از اواخر دهه ۱۹۷۰ به بعد به موضوع کارآفرینی توجه جدی شده و حتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه هم از اواخر دهه ۱۹۸۰ این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند، در کشور ما تا شروع اجرای برنامه سوم توسعه، توجه چندانی به کارآفرینی نشده بود. حتی در محافل علمی و دانشگاهی نیز به جز موارد بسیار نادر، فعالیتی در این زمینه صورت نگرفته بود. مشکل بیکاری و پیش‌بینی حادث‌تر شدن آن در دهه ۱۳۸۰ (شمسی) موجب شد که در زمان تدوین برنامه سوم توسعه، موضوع توسعه کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد. در برنامه اخیر، توسعه کارآفرینی در سطح وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی، صنایع و معادن و فلزات و همچنین موسسه جهاد دانشگاهی به دلیل ارتباط با فعالیت‌های آنها، مطرح شده است. متأسفانه واژه کارآفرینی، موجب شده است که معنی ایجاد کار یا اشتغال زایی از این واژه برداشت می‌شود.

همچنین پژوهش‌های مورد اشاره نظریه اقتصاددانان را مورد تایید قرار می‌دهد که کارآفرینان به عنوان عامل تحول جامعه ایجاد کسب و کار جدید و به طور کلی رشد اقتصاد و سودآفرینی هستند و همچنین نتایج این پژوهش‌ها این موضوع را نیز مورد تایید قرار می‌دهند که کارآفرینان به عنوان موتور توسعه اقتصادی هستند که امروزه نقش کارآفرینان در توسعه اقتصادی از سرمایه بیشتر است. بنابراین کارآفرینان باید در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی شناسایی شوند و در صورت نیاز آموزش‌های لازم داده شود. همچنین جامعه‌شناسان ابعاد و تبعات اجتماعی کارآفرینی را بررسی کرده و معتقدند که نیروی محرک کارآفرینان انگیزه‌های درونی و شخصی آنهاست، که طی دوران زندگی، با تاثیرپذیری از محیط پیرامون خود تقویت می‌شوند؛ از اینرو در دنیای سریع و رقابتی امروز توجه به کارآفرینی یکی از دغدغه‌های مهم نهادها و مراکز مختلف آموزشی از جمله دانشگاه‌ها و مراکز فنی و حرفه‌ای در سراسر دنیاست. پرورش قابلیت‌های کارآفرینی در توسعه و تقویت رقابت در اقتصاد ملی و جهانی بسیار حیاتی بوده است. به ویژه اگر در طراحی دوره‌های آموزش کارآفرینی کلیه عوامل و عناصر دخیل در آموزش و پرورش نظیر اهداف، محتوی درسی، شیوه‌های تدریس، معلمان و مدیران، دانشجویان و... مطابق با یکدیگر و با دقت لازم انتخاب شوند. گس (۱۹۸۵)، کاریسلیکی و والسند (۱۹۹۸) معتقدند که این آموزش‌ها باید از دبیرستان و دانشگاه شروع شود تا جوانان مسیر شغلی مناسب خود را انتخاب کنند. براون (۱۹۹۹) آموزش کارآفرینی برای جوانان را سرمایه‌گذاری برای آینده می‌داند که تجربیات مثبتی را به آنان معرفی می‌کند تا در آینده بتوانند تصمیمات مناسب‌تری درباره اشتغال خود اتخاذ کنند. پر واضح است که فارغ التحصیلان هر رشته تحصیلی در دوره دانشجویی چنانچه به دنبال استخدام یا حتی راه‌اندازی یک فعالیت اقتصادی مستقل باشند باید با اصول اولیه کسب و کار آشنایی داشته باشند. یعنی دانش همراه با توانایی استفاده و کاربرد آن در عمل. همچنین ایجاد توانایی و مهارت‌هایی که به فارغ التحصیلان امکان دهد تا بتوانند فعالیت‌های خلاقانه خود را ساماندهی کنند نیز از ضرورت‌های اولیه آموزش‌های آکادمیک است.

از آنجا نتایج پژوهش حاضر نشان داد که روحیه کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری در حد متوسط است پیشنهاد می‌شود برای ارتقای سطح کارآفرینی و پرورش این افراد در سطوح کلان و خرد برنامه‌ریزی شود، در این زمینه ساماندهی شبکه ملی آموزش کارآفرینی با هدف فراهم سازی فرصت تبادل ایده‌ها و آموزه‌های کارگزاران عرصه کارآفرینی به منظور رسیدن به وحدت نظر در خصوص آموزش کارآفرینی اعم از راهبردها، چشم انداز، رسالت‌ها، ماموریت‌ها و نظارت بر پیاده سازی آن در کلیه سطوح و نهاد‌های نظام آموزش کشور توأم با شناسایی و تامین ملزومات مربوطه (نظیر بازاریابی و باز طراحی فرآیندهای آموزشی، ارائه خدمات مشاوره‌ای به کارگزاران امر، تامین بودجه‌های مورد نیاز و ...) می‌تواند بسیار کارگشا باشد، از سویی دیگر تمرکز زدایی در نظام آموزشی جهت نوآوری و تلفیق مبتکرانه و انعطاف‌پذیر کارآفرینی در فرآیندهای آموزشی جهت تعامل با فعالان بخش

خصوصی، کارگزاران بخش صنعت، خدمات، کشاورزی و غیره و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و حمایت‌های آنها در سطح جامعه نیز از دیگر اقدامات ممکن است.

همچنین با تغییر ماهیت فرایند یاددهی-یادگیری بر پایه تلفیق متوازن عناصر نظری، عملی و استفاده از منابع و فرصت‌های یادگیری در قالب کارورزی و کارآموزی مبتنی بر الگوی استاد-شاگردی، و الگویی از کارآفرینان موفق به عنوان مشاور، هدایتگر و راهنما می‌تواند مثمر ثمر باشد. از دیگر راهکارها می‌توان به اهمیت بخشی به فعالیت‌های تیمی و گروهی در جریان آموزش کارآفرینی با تاکید بر همکاری و رقابت سازنده، پرورش و رعایت اخلاق کارآفرینی و توازن ابعاد فردی و اجتماعی و جنبه‌های مادی و معنوی یادگیری اشاره کرد. همچنین استفاده از مدرسان شایسته در زمینه آموزش کارآفرینی نیز بسیار موثر است، چرا که آموزشگران کارآفرینی نقش الگو را برای دانشجویان ایفا می‌کنند لذا باید در انتخاب آنها بسیار حساس عمل نمود. در این زمینه در دسترس قرار دادن موارد آموزشی مناسب جهت تدریس و ایجاد انکوباتورها (مراکز رشد) و آموزش قابلیت‌های کارآفرینی در برنامه درسی می‌تواند گامی در جهت بهبود این شاخص‌ها باشد.

از طرفی فراهم آوردن اهداف چالش برانگیز در دانشگاه برای دانشجویان، مسئولیت‌پذیری و سعی و تلاش شخصی آنها را برای رسیدن به هدف افزایش می‌دهد. این کار انگیزه پیشرفت را در آنها رشد می‌دهد و طبیعی است که امکان کنترل آینده و جرات یافتن برای پذیرش خطر را نیز در آنها توسعه می‌دهد.

با توجه به اهمیت شاخص انگیزه پیشرفت و منبع کنترل درونی، باید به تغییر شیوه‌های ارزشیابی پیشرفت تحصیلی پرداخت، به گونه‌ای که به فعالیت دانشجویان ارزش بیشتری داده شود و به این ترتیب آنها را به تلاش و کوشش بیشتر برای کسب موفقیت واداشت و از نقش مواردی چون تاکید بر توانایی‌های ذهنی غیرقابل تغییر، بخت و اقبال، شانس و کمک دیگران یا پیشرفت‌های ناشی از رابطه که انگیزه پیشرفت را در انسان تخریب و تضعیف می‌کند، پیشگیری کرد. در ضمن نباید فراموش کرد که پیامدهای مثبت رفتاری که به علت‌های درونی همچون توانایی و کوشش نسبت داده شود، در افراد منجر به احساس غرور، عزت نفس و اعتماد به نفس می‌شود.

از سوی دیگر اگر کارآفرینی به عنوان یک گزینه شغلی مهم و موفق معرفی شود و انگیزه‌های مختلفی از جمله میل به کسب ثروت، استقلال طلبی (این که فرد بخواهد خودش رئیس خودش باشد و بر سرنوشت خویش کنترل داشته باشد)، میل به ساختن چیزی نو، نیاز به موفقیت یا توفیق‌طلبی (تمایل به انجام کار در استانداردهای عالی جهت موفقیت در موقعیت‌های رقابتی)، را برای دانشجویان مهم جلوه دهیم نیز گامی در جهت ارتقای سطح کارآفرینی در دانشجویان برداشته‌ایم.

تشویق دانشجویان به انتخاب اهداف سخت، اهمیت ندادن به امنیت شغلی، و عدم علاقه به جمع‌آوری همه اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری، از جمله اقدامات رفتاری برای بهبود ویژگی

خطر پذیری دانشجویان است. همچنین باید دانشجویان این موضوع را مدنظر داشته باشند که باور به شکست مسموم کننده ذهن است بنابراین باید پذیرفت که چیزی به نام شکست معنی و مفهومی ندارد و آدمی همواره نتیجه‌ای به بار می‌آورد، باید از هر تجربه درسی گرفته شود و برای این منظور باید افراد شخصیت خود را تحکیم بخشند، شکست آینه عبرتی است که به آنان نشان می‌دهد از چه کارها یا راه‌هایی باید بپرهیزند.

منابع

- ۱- آقا زاده، هاشم. رضا زاده، حسین. (۱۳۸۳). کارآفرینی سازمانی. ماهنامه تدبیر شماره ۱۰۲.
- ۲- احمدپور داریانی، محمود و عزیزی، محمد. (۱۳۸۳). کارآفرینی. موسسه فرهنگی و انتشارات محراب قلم. چاپ اول. تهران.
- ۳- احمدپور داریانی، محمود، مقیمی، سید محمد. (۱۳۸۵). مبانی کارآفرینی. انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
- ۴- بدری، احسان. لیاقتدار، محمد جواد. عابدی، محمدرضا. جعفری، ابراهیم. (۱۳۸۵). بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان. سایت جهاد دانشگاهی WWW.SID.IR
- ۵- برداری، بی‌نا، سایت www.Karafariny.com
- ۶- حداد عادل، منیژه. (۱۳۷۹). بررسی عوامل موثر بر رشد و پرورش کارآفرینان از دیدگاه مدیران صنایع. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی گرایش مدیریت آموزشی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ۷- خدمتی توسل، بینا. (۱۳۷۹). بررسی زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه شهید بهشتی.
- ۸- ذبیحی، محمدرضا، مقدسی، علیرضا. (۱۳۸۵). کارآفرینی از تئوری تا عمل. نشر جهان فردا. مشهد.
- ۹- رضا زاده، حجت‌اله. شیخیان، ناهید. احمد پورداریانی، محمود (۱۳۸۱). کارآفرینی در آلمان. ماهنامه علمی تخصصی بازاریابی. شماره ۲۲.
- ۱۰- شریف زاده مریم. (۱۳۸۴). بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در راستای تقویت روحیه کارآفرینی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز. دانشکده کشاورزی.
- ۱۱- طالبیان، احمدرضا. (۱۳۸۱). کارآفرینی اجتماعی. ماهنامه تدبیر. شماره ۱۲۸.
- ۱۲- عزیزی، محمد. (۱۳۸۲). بررسی و مقایسه زمینه‌های بروز پرورش کارآفرینی در دانشجویان شهید بهشتی. طرح تحقیقاتی. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.

- ۱۳- کوراتکو، دانلد. اف و هاجتس، ریچارد.ام (۱۳۸۳). نگرش معاصر بر کارآفرینی. ترجمه عامل محرابی و ابراهیم نگرشی. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد. چاپ اول. مشهد.
- ۱۴- مرادی، نرگس. (۱۳۸۵). مدیریت کارآفرینی. انتشارات موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت. کرج.
- ۱۵- میراسماعیلی، الهام، رشمه، جواد. (۱۳۸۷). مقایسه قابلیت‌های کارآفرینی فارغ التحصیلان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و نظری در دبیرستان‌ها و هنرستان‌های منطقه ۱۱ شهر تهران. مجموعه مقاله همایش ملی کارآفرینی؛ فرهنگ و جامعه با تاکید بر تربیت تکنسین دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. اردیبهشت ۱۳۸۷.
- ۱۶- ناظم، فتاح. (۱۳۸۶). کارآفرینی مدیران و مولفه‌های آن در مناطق مختلف دانشگاه آزاد/اسلامی. فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. سال دوم. شماره دوم. بهار ۸۶.
- ۱۷- هزارجریبی، جعفر. (۱۳۸۲). بررسی میزان کارآفرینی دانش‌آموختگان در عرصه نشریات و مطبوعات. نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۳.
- ۱۸- هیستریج، رابرت دی. پیتز، مایکل پی. (۱۳۸۳). کارآفرینی. ترجمه سید علیرضا فیض بخش و حمیدرضا تقی یاری. انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف. تهران.
- ۱۹- یارایی، بی‌نام. (۱۳۸۳). بررسی برخی روحیات کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی. دانشگاه شیراز.
- 20- Brockhaus, R. (1980). "The Effect of Job Dissatisfaction on The Decision to Start a Business". Small Business Management Journal, No. 181.
- 21- Brown, p.j 2003 , *Entrepreneurial Programming: Home Based And micro business", Family development and Resource management.*
- 22- Chek Pit, C. (2002), *Entrepreneurial Characteristics among Secondary School Students in the Federal Territory, M.S. Dissertation, University Kebangsaan Malaysia, available at: <http://usasbe.org/knowledge/proceedings/>*
- 23- Clark, M. J., (1998), *Entrepreneurial Success: What it means to different type of entrepreneurs. European Conference on work and organization al psychology, Istanbul.*
- 24- Drucker. p 1985 *Innovation and Entrepreneurship NY :Harper Collins Publisher.*
- 25- Envick, Brooke R *St. Mary's (2003)University, Margaret Langford, St. Mary's University*
- 26- Hisrich, R. D. M and P. Peters (1998). "The Individual Entrepreneur in Entrepreneurship". McGraw Hill Publishing.

- 27- Jacobovitz, A. (1994). "Is Slack Good or Bad for Innovation?" Academy of Management Journal, Vol.39, No.5.
- 28- Jian vae lian, p, j. Fiorito and j. Thomas (2006). "A structural Contingency Approach " New York: The Dryden perss.
- 29- Liser, S. Brockhaus, R. (1980). "Dynamic Entrepreneurship and Job Creation". MIT and Cognetics Inc, United States of America.
- 30- Matthew C.Sonfield, Hofstra University, Robert N. Lussier, Springfield College, Robert J. Barbato Rochester Institute of Technology
- 31- Mc Clelland.DC.1961 *The Achieving Society*, Princeton N.J.:Van Nostrand.
- 32- McClelland, D. (1962). "Business Drive and National Achievement". Harvard Business Review, No.40,p.89.
- 33- Murni, Isteti (2003) Entrepreneurial values among the cooperative managers: a Study at the cooperative of secondary schools in district of padang, West Sumatera- Indonesia, M.S. dissertation available at: <http://www.usasbe.org/knowledge/proceedings/>
- 34- Rashid, V.(2000) THE Need for entrepreneur education and training among small business, M.S. dissertation, available at: <http://www.usasbe.org/knowledge/proceedings/>